**( سط ) تأثير نجوم**

**سؤال**

آيا اين نجوم آسمانيرا در نفوس انسانی تأثيرات معنويّه هست يا نه ؟

**جواب**

بعضی از کواکب آسمانيرا بر کره ارض و کائنات ارضيّه تأثير جسمانی واضح و مشهود احتياج به بيان نيست . ملاحظه نمائيد که آفتاب بعون و عنايت حقّ تربيت کره ارض و جميع کائنات ارضيّه مينمايد و اگر ضيا و حرارت آفتاب نبود کائنات ارضيّه بکلّی معدوم . امّا تأثيرات معنويّه هر چند اين کواکب را تأثيرات معنويّه در عالم انسانی بنظر عجيب آيد ولی چون در اين مسأله تدقيق نمائی چندان تعجّب نفرمائی و لکن مقصد اين نيست که منجّمين سابق احکامی که از حرکات نجوم استنباط نمودند مطابق واقع بود زيرا احکام آن طوائف منجّمين سابق ضربی از اوهام بود و موجد آن کاهنان مصريان و آشوريان و کلدانيان بلکه اوهام هندوستان و خرافات يونان و رومان و سائر ستاره پرستان بود . امّا مقصد من اينست که اين جهان نامتناهی مثل هيکل انسانيست جميع اجزا بيکديگر مرتبط در نهايت اتقان متسلسل يعنی اعضا و ارکان و اجزاء هيکل انسان چگونه با يکديگر ممتزج و متعاون و متعاضد و از يکديگر متأثّر بهمچنين اجزای اين کون نامتناهی مانند هيکل انسانی اعضا و اجزايش بيکديگر مرتبط و از يکديگر معناً و جسماً متأثّر . مثلاً چشم مشاهده نمايد جميع جسم متأثّر گردد سمع استماع کند جميع ارکان باهتزاز آيد و در اين مسأله شبهه ای نيست زيرا عالم وجود نيز مانند شخص حيّ است . پس از اين ارتباط که ميان اجزاء کائناتست تأثير و تأثّر از لوازم آن چه جسمانی چه معنوی . از برای نفوسی که انکار تأثيرات معنويّه در جسمانيّات نمايند اين مثل مختصر را ذکر ميکنيم و آن اينست که اصوات و الحان بديعه و آهنگ و آوازهای خوش عرضی است که بر هوا عارض ميشود زيرا صوت عبارت از تموّجات هوائيّه است و از تموّج هوا اعصاب صماخ گوش متأثّر شود استماع حاصل گردد . حال ملاحظه کنيد که تموّجات هوا که عرضی از اعراض است و هيچ شمرده شود روح انسانرا بجذب و وله آرد و بنهايت درجه تأثير بخشد گريان کند خندان کند شايد بدرجه ای آيد که بمخاطره اندازد پس ملاحظه کنيد چه مناسبتی بين روح انسان و تموّج هواست که اهتزاز هوا سبب شود انسانرا از حالی بحالی اندازد و بکلّی منقلب نمايد بلکه صبر و قرار از برای او نگذارد . ملاحظه کنيد که چقدر اين قضيّه عجيب است زيرا از خواننده چيزی خروج نيابد و در مستمع دخول ننمايد با وجود اين تأثيرات عظيمه روحانيّه حاصل شود پس اين ارتباط عظيم کائناترا لابدّ از تأثيرات و تأثّرات معنويّه است چنانکه ذکر شد که چگونه اين اعضا و اجزای انسان متأثر و مؤثّر در يکديگرند . مثلاً چشم نظر کند قلب متأثّر شود گوش استماع کند روح متأثّر شود قلب فارغ شود فکر گشايش يابد و از برای جميع اعضای انسان حالت خوش حاصل آيد ، اين چه ارتباطی است اين چه مناسباتيست ؟ و چون در اعضای جسمانی انسان که کائنی از کائنات جزئيّه است اين ارتباط و اين تأثير و تأثّرات معنويّه است البتّه بين اين کائنات کلّيّه نامتناهيه نيز ارتباط جسمانی و معنوی هر دو موجود و هر چند بقواعد موجوده و فنون حاضره کشف اين روابط نتوان نمود ولی وجود روابط در بين کائنات کلّيّه واضح و مسلّم است . خلاصه کلام اينست که اين کائنات چه کلّی و چه جزئی بحکمت بالغه الهيّه مرتبط بيکديگر است و مؤثّر و متأثّر از يکديگر و اگر چنين نبود در نظام عمومی و ترتيبات کلّی وجود اختلال و فتور حاصل ميشد چون اين کائنات در نهايت اتقان مرتبط بيکديگر است لهذا منتظم و مرتّب و مکمّلست اين مطلب شايان تحقيق است .